



زینب مرزوقی

خبرنگار گروه جامعه

براساس میانگین منتشرشده از سوی برخی رسانه‌های دیگر، در اردیبهشت امسال هر ۵۱ ساعت یکی از نیروهای حافظ امنیت کشورمان به شهادت می‌رسند.

یکم اردیبهشت امسال شهید «سجاد قدمی» در مرز بسطام، دهم اردیبهشت شهید «علیرضا شهرکی» در مرز سراوان، چهاردهم اردیبهشت شهید «مهدی یزدی» در اصفهان، شانزدهم اردیبهشت شهید «سعید ربیعی» در اهواز، هجدهم اردیبهشت شهید «مسعود پرکاس» در خلیج فارس، نوزدهم اردیبهشت شهید «مهدی هادی» در زنجان، بیست‌ویکم اردیبهشت شهید «محمدرضا اسداللهی» در بندرلنگه، بیست‌وچهارم اردیبهشت شهید «یاسر عبدلی» در خاش، بیست‌وششم اردیبهشت «قربانعلی پیری» در زابل و سی اردیبهشت شهید سرباز وظیفه «محمد جمالزاده»، «ناصر حیدری» و «یونس سیفی» و استوار دوم «حسن بادامکی» و «علی غنی‌باتدبیر» در مرز مژه‌سر سراوان به شهادت رسیدند.

شامگاه دوشنبه ۳۱ خردادماه بود که یکی از گروهک‌های تروریستی مستقر در مرزهای جنوب شرق، از سوی مرز سراوان قصد ورود به کشورمان را داشتند. تحرکات این گروهک توسط هنگ مرزی در مرز مژه‌سر شناسایی می‌شود و درنهایت مرزبانان

کمبودها و اقدامات در مرزها

۱۹ اردیبهشت امسال، کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی مجلس، در مرکز مرزبانی کشور با حضور فرماندهان، مدیران و مسئولان مرزبانی جلسه‌ای برگزار کرد.

عباس مقتدایی، نایب‌رئیس این کمیسیون در گزارش این جلسه‌خاطرنشان کرده است: «با توجه به اینکه قاچاق به ۱۰۰ شاخه و زیرمجموعه تقسیم‌بندی شده است مباحث مهم پیرامون آن نیز به‌عنوان گزارش در اختیار اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس قرار گرفت. همچنین موضوعاتی نظیر طرح جامع مرزبانی کشور و اعتباراتی که برای آن ضرورت دارد در بودجه سال‌های آینده تعیین شود مورد رسیدگی و بحث و تبادل نظر قرار گرفت.»

همچنین بنا به گفته مقتدایی، در این جلسه همچنین مقرر شد که کمیته امنیت مرز کمیسیون امنیت ملی یا قید فوریت جلسه‌ای با مسئولان ارشد وزارت امور خارجه، وزارت نیرو و وزارت راه‌وشهرسازی برای حل مشکلاتی که در جلسه در حوزه مرزبانی مطرح شد، برگزار کند.

هوشمندسازی پلیس برای بالاتر رفتن امنیت در مرزها ازجمله اقداماتی است که در چند سال اخیر توسط نیروی انتظامی کشور درحال پیگیری است. جانشین پیشین فرمانده نیروی انتظامی کل کشور در گفت‌وگو با تسنیم، اظهار کرده است که «موضوع هوشمندسازی مرزها ازجمله موضوعات ویژه‌ای است که در برنامه هوشمندسازی فراجا دنبال می‌شود. چندین سال است که به موضوع هوشمندسازی در فراجا توجه ویژه‌ای می‌شود و البته بخشی که مربوط به مرزها می‌شود را با قوت بیشتری دنبال کرده‌ایم. در برخی از پایانه‌ها و شهرهای هدف، دوربین‌ها و سیستم‌های اپتیکی ایجاد شده است و این روند تا تجهیز کردن تمامی مرزها ادامه دارد.»

سردار رضایی در این گفت‌وگو همچنین تأکید می‌کند: «اجرای کامل هوشمندسازی در مرزها تخصیص اعتبار است، همان‌طور که می‌دانید بحث فناوری نیازمند تخصیص اعتبارات ویژه است که امیدواریم در برنامه هفتم توسعه بخش اعظمی از این اعتبارات که مربوط به مراقبت‌های مرزی می‌شود کامل تخصیص داده شود.»

همچنین سردار گودرزی، دوسال گذشته در زمان فرماندهی نیروی مرزبانی کشور درباره لزوم استفاده از تجهیزات جدید با تأکید بر نقش موثر مرزبانان در تأمین امنیت پایدار مرزها، در این طرح گفته است: «یکی از اولویت‌های مهم هوشمندسازی نظارت و کنترل الکترونیکی و هوشمندسازی یکپارچه مرزهای کشور، بهره‌برداری از فناوری، ابزارهای نوین نظارت کنترلی، سامانه‌ها و سنسورهای هوشمند برای پایش است که استفاده از این تجهیزات باعث کاهش اتکا به نیروی انسانی و ارتقای توانمندی در اجرای مأموریت‌ها، ویژه در حوزه مبارزه با قاچاق شده و می‌شود. ضرورت دارد سامانه‌های لازم ازجمله پهپاد، هلی‌شات، سیستم‌های الکترونیکی، اپتیکی و سنسورهای پیشرفته در مرزها داشته باشیم؛ چراکه مرزبانی جایگاه بین‌المللی دارد و اخبار مثبت و منفی آن به سرعت در جوامع بین‌المللی انعکاس می‌یابد، ایران بعد از روسیه و چین، بیشترین همسایگی را با ۱۵ کشور دارد و هشت هزار و ۷۵۵ کیلومتر مرز داریم که چهار هزار و ۱۳۷ کیلومتر آن زمینی، هزار و ۹۱۸ کیلومتر آن رودخانه‌ای و ۲ هزار و ۷۰۰ کیلومتر آن دریایی است.»

او در این جلسه افزوده است: «از سال ۸۴ پس از اتفاقات روی داده در جنوب‌شرق کشور مبنی‌بر ظهور گروه‌های معاند که کشورهای مستکبر عالم آنها را همراهی می‌کردند، اقداماتی در مرزها صورت گرفته اما کفایت نمی‌کند، ما به‌دنبال سرعت‌بخشی به حرکت‌مان هستیم. قسمتی از کار مربوط به خودمان است، اما قسمتی از کار اعتباری و ریالی است، باید اعتبارات مدنظر بیشتری برای مرزبانی در هر سال نسبت به سایر بخش‌ها اختصاص یابد. اگر سامانه‌های لازم در مرزبانی ایجاد شود، پهپاد، هلی‌شات، سیستم‌های الکترونیکی و اپتیکی و سنسورهای پیشرفته در مرزها داشته باشیم، اشراف حداکثری پیدا می‌کنیم و در این صورت قطعاً تعداد سربازان مورد نیاز در مرزها کاهش یافته و تعداد شهدای

آسمانی شدن ۵ جوان مرزبانی توسط دشمنان ایران دوباره قصه مظلومیت نیروهای فراجا را زنده کرد

مرزبانان

سوی مرز کشورشان، در بیانیه‌ای این حمله تروریستی را به‌شدت محکوم می‌کند. در بیانیه وزارت امور خارجه پاکستان آمده است: «دولت و مردم پاکستان عمیق‌ترین تسلیت خود را به خانواده‌های داغدار شهدا و همچنین به دولت ایران در این حادثه تلخ ابراز می‌کنند. همان‌طورکه در دیدار اخیر نخست‌وزیر پاکستان و رئیس‌جمهور ایران مجدداً تأیید شد، ما بر لزوم تلاش متقابل برای از بین بردن تروریسم در دو طرف مرز تأکید می‌کنیم. پاکستان، مرز ایران و پاکستان را مرز صلح و دوستی می‌داند و همچنان متعهد به همکاری با ایران در این راستاست.»

در همین راستا نیز «ناصر کنگانی» سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، در واکنش به این اقدام تروریستی گفت: «جمهوری اسلامی ایران ضمن محکوم کردن این اقدام شرورانه، از دولت‌مدان پاکستان انتظار دارد هر چه سریع‌تر به توافقات دو کشور برای سرکوب گروه‌های تروریستی جامه عمل پوشانیده و در ارتقای امنیت مرزهای مشترک بکوشند.»

کنگانی با بیان اینکه قطعاً هدف این گروه‌های تروریستی ایجاد خلل در امنیت مرزهای مشترک و امنیت مردم مرزنشین دو کشور بوده است، تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران همانند گذشته مجدداً بر اهتمام خود برای بسط امنیت در منطقه و توسعه همکاری‌ها تأکید می‌کند.»

مرزبانان؛ این روضه همیشگی

است، درنهایت توسط محل کار خود برای گرفتن کارت پایان‌خدمت مجبور به گذراندن سربازی می‌شود و موقعیت شغلی خود را در آن دو سال، از دست می‌دهد. همچنین جدای از آن، هیچ تضمینی وجود ندارد که پس از سربازی، آن جوان بتواند موقعیت مشابهی با موقعیت قبلی خود در جامعه یا شغلش به دست بیاورد و درنهایت مجبور می‌شود که کار را حتی از صفر آغاز کند. شاید برای جوان از این بابت خوشحال‌کننده است که بالاخره کارت پایان‌خدمتش را گرفته است اما به چه قیمت؟ از دست دادن موقعیت شغلی، بالا رفتن سن، عدم توسعه فردی، عدم دسترسی به امکانات برای پیشرفت یا دستیابی به یک موقعیت جدید در زندگی.

برای اصلاح این قانون، می‌توان از تجربه دیگر کشورهای جهان در این زمینه، مانند سربازی داوطلبانه نیز استفاده کرد. اما برای اجرای یک قانون کاربردی، با توجه به شرایط کشورمان و شرایط منطقه درخصوص مرزبانان، شاید بد نباشد اگر این پیشنهاد را مطرح کنیم که نیروهای مسلح کشورمان، بهتر است از نیروهای حرفه‌ای مرزبانی و نیروهای اصلی این نهاد برای دفاع و حفظ مرزها استفاده کنند تا لاقال هیچ‌کس منکر مقدس بودن خدمت سربازی و دفاع از وطن نیست. اما شاید بد نباشد اگر مرور کنیم این تقدیس به چه قیمت است؟ پسرقت در زندگی و گاهی به قیمت از دست دادن جان. طرح سرباز معلم و سرباز نخبگی نشان داد، این قانون هم ظرفیت اصلاح دارد و شاید بد نباشد هر جوان را براساس ظرفیت و شرایط مختص به خودش، برای خدمت به کشور به کار گرفت.

ما خواب بودیم ولی بعضی‌ها خودشان را به خواب زده‌اند

صبح روز یکشنبه، هنوز کامل از خواب بیدار نشده‌ام؛ که طبق عادت همیشگی، شروع می‌کنم به مرور اخبار شب گذشته و صبح امروز. با استوری اینستاگرامی یکی از همکاران رویه‌رو می‌شوم. خبر شهادت ۵ مرزبان در مرز سراوان که نوشته است: «در این درگیری از ورود یک گروهک تروریستی جلوگیری شد.» دوباره می‌خوانمش. رو به سقف، چشم‌هایم را می‌بندم و با خودم می‌گویم «دقیقا وقتی که من خواب بودم. وقتی که ما خواب بودیم. ایستادند، سینه‌هایشان سپر گلوله شد تا مبادا کسی از ترس ورود تروریست‌ها، بدخواب شود.»

سری به ویترین می‌زنم. انگار هیچ خبری نیست. به جز چند اکانتی که می‌شناسم‌شان و در عالم رسانه فعالیت دارند، تقریباً هیچ چهره‌ای واکنشی به شهادت این ۵ جوان نشان نداده است. در التهاب اخیر، آنچه که بیش از همه تشت رسوایی خیلی‌ها را از بام انداخت، همراهی با جریان کشته‌سازی‌ها بود. بسیاری از همین چهره‌ها هم تمام این کشته‌سازی‌ها را برای آزادی وطن فاکتور کردند. نه خونی ریخته شده بود و نه کسی در راه آزادی وطن خش برداشته بود. اما همه‌جا پر بود از نام و نشان‌های جعلی و بازی با احساسات مردم. حالا ۵ جوان دقیقاً برای حفظ تمامیت ارضی کشورمان خون‌شان ریخته شده بود. شاید در ظاهر ۵ خانواده اما تمام خانواده‌های ایرانی، باز هم داغدارند. اما خبری نبود از هشتگ‌سازی، استوری، پست و روضه‌هایی مانند لاله دیدن از خون جوانان وطن!

عکس‌شان دست به دست نمی‌شود؛ کسی پیدا نمی‌شود که بگوید می‌شناختم‌شان و از قضا برای آزادی می‌کوشیدند.

روز گذشته ۵ شهید درگیری حمله تروریستی مرز سراوان تشییع شدند. ۳ روز از ماجرا می‌گذرد اما هنوز از سلبریتی‌ها، چهره‌های هنری، ورزشی و

مثلاً محبوب مردمی هیچ‌یک واکنشی به شهادت این جوانان نشان ندادند. ما خواب بودیم و با بیدار شدن ما، خبر جانفشانی این جوانان دست به دست شد. بیدار شدیم، روضه حضرت قاسم گوش دادیم و اشک ریختم. اما انگار بعضی‌ها هنوز خوابند. شاید درست‌تر این باشد که بگویم بعضی از چهره‌های مطرح کشورمان، ترجیح می‌دهند که خودشان را به خواب بزنند، چراکه این‌بار از این خون‌ها و از این عکس‌ها و هشتگ‌ها، کسی نمی‌تواند ویرزا بگیرد.

مرزبانی نیز کاهش می‌یابد. در این چند سال حمایت‌هایی انجام شده اما اگر بخواهیم اشراف حداکثری داشته باشیم باید از سامانه‌هایی استفاده کنیم که موجب کاهش اتکا به نیروی انسانی می‌شود.»

همان‌طور که در ابتدای گزارش اشاره شد، سه شهید حمله تروریستی مرز سراوان، سرباز وظیفه هستند. چند سالی می‌شود که مطالبه اصلاح قانون سربازی شدت گرفته است و هر وقت که این موج کمی آرام می‌گیرد یا می‌خوابد، با اتفاقی مانند اتفاق سه روز گذشته در مرز سراوان زخم کهنه ناعدالتی قوانین سربازی دوباره سرباز می‌کند. به‌خاطر دارم یکی از دوستان توپتتری در ایامی که قرار بود برادرش به سربازی اعزام شود مدام جملات ناامیدکننده و دلتنگی این راه نرفته را توپیت می‌کرد. برادرش از قضا دهه هشتادی بود و از آن بدتر هم در یکی از مرزها باید خدمت می‌کرد. چقدر از خدمتش گذشته؟ تمام شده یا نه؟ اطلاع دقیقی ندارم اما وقتی با تمام دخترانگی‌ام، به سربازی آن‌هم در مرز فکر می‌کنم، دلم می‌گیرد. هرچند کسری خدمت مرزبانان ۳ تا ۴ ماه است و درحقیقت حقوق‌شان از حد معمول دریافتی سربازهای دیگر بیشتر است، اما باز هم ریسک خدمت در هنگ‌های مرزی کشور با توجه به ناامنی‌های تقریباً دائمی منطقه بالاست و خانواده‌هایی که پسرشان را راهی می‌کنند، نمی‌دانند این آغوش آیا آغوش آخر خواهد بود یا دیداری دیگر با فرزندشان خواهند داشت؟

بار عاطفی موضوع را که بخواهیم کنار بگذاریم و اصلاً چشم روی راهی شدن پسران جوان ۲۱ تا ۲۵ ساله هم بپوشیم، شرایط خدمت در مرزها، با توجه به شرایط جغرافیایی شرایط ویژه‌ای است. در جنوب غرب و جنوب شرق کشور دقیقاً گرمای بالای ۶۰ درجه و در شمال شرق و شمال غرب سرمای زیر ۲۰ درجه را داریم و مرزبانان باید در برچک‌های دیده‌بانی، تحت هر شرایطی به پای قسم دفاع و حفظ مرزهای وطن بایستند. قصه ناعدالتی سربازی اما کلاف سردرگم نیست. گره‌ای است که باید با دست‌باز شود اما سال‌هاست انگار عادت کرده‌اند این گره را با دندان باز کنند. براساس آمار رسمی اعلام‌شده تا سال ۱۴۰۰ سه میلیون ایرانی، تعداد غایبان سربازی هستند. شاید نگاهی به غایبان سربازی، گویای چالش جوانان و خانواده‌های ایرانی در طول مدت حیات خود و خصوصاً جوانی‌شان، با این مساله باشد. برای همین اگر بگویم اصلاح سیاست سربازی، اصلاح یک سیاست عمومی است، بیهانه نگفته‌ایم. اما براساس یک قانون قدیمی نانوشته، تصمیم‌گیری درخصوص این موضوع به عهده نیروهای مسلح کشور است، یعنی تنها رکن اصلی تعیین‌کننده در اصلاح این مساله، دقیقاً نیروهای مسلح است و قانون به دست خود مجری این قانون است.

از پیشنهادهای ارائه‌شده در این چندسال برای اصلاح این قانون، تبدیل شدن سربازی اجباری به سربازی حرفه‌ای است. به این شیوه که در طول مدت سربازی، به سربازان مهارت خاصی آموزش داده شود و درنهایت براساس مهارت‌شان، به افراد حقوق حرفه‌ای داده شود.

عدم استفاده مفید و بجای از افراد در دو سال سربازی و تخریب ذهنیت جوانان نسبت به آرمان و ارزش‌هایی مانند احترام به نیروهای مسلح و حافظ امنیت از جمله معایب سربازی اجباری است. اغلب خاطرات جوان ایرانی در این دوره، خاطرات سیاه و خاکستری از روزهای سختی است که حتی منتهی به تحقیر و تخریب او هم شده است. آن موقع رهایی و خروج از چنین وضعیتی برای جوان به آرزو تبدیل می‌شود و حتی تجربه آن به یک کابوس.

بسیاری از جوانانی که دوره سربازی را گذرانده‌اند، قطعاً تجربه تلخ بیهودگی در یادگان‌ها یا دیده‌بانی در برچک‌ها را دارند. اتفاق دیگری درخصوص این مساله غافل‌مانده است، عدم توجه به ظرفیت نیروهای متخصص و استفاده از جوانان متخصص در جایگاه متناسب با آنهاست. از دیگر معایب سربازی اجباری، عدم پیشرفت یا دست‌نیافتن به یک امر بالاتر در جایگاه شغلی یا به‌طور کل جایگاه اجتماعی جوان است. یعنی جوانی که مثلاً از ۱۸ تا ۲۳ سالگی در فضایی، تجربه کار داشته